

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۲۸

جهانی شدن، ملاحظات و فرصت‌ها

نوشته

سیدمحمد دادگران*
ناصراسدی**

چکیده

امروزه همه کشورهای جهان با پدیده جهانی شدن روبه‌رو هستند. این، برای آن‌ها فرصت و تهدید تلقی می‌شود. از آنجا که جهانی شدن و هویت جهان‌وطنی، رویدادی ناگزیر به‌نظر می‌رسد، برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و بهره‌برداری از فرصت‌های پیش‌رو، برای دولت‌ها و ملت‌ها موضعی منطقی است. در این نوشتار پس از ارائه تعاریفی از جهانی شدن و بیان نگرش‌های موافق و مخالف در ابعاد گوناگون آن، اشاره‌ای به موقعیت ایران در قبال مسائل مطرح، از جمله اقتصاد، سیاست، فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌ها می‌شود. در نهایت باید اذعان کرد که این فرایند، پدیده‌ای از پیش برنامه‌ریزی شده و با هدفی مشخص ظهور نیافته‌است، لذا پویایی بیشتر دولت و ملت در همه ابعاد، و توان سازگاری با روند جهانی، روش و هدفی ناگزیر برای بهره‌مندی هر چه بیشتر از فرصت‌های پیش‌رو است.

کلیدواژه: جهانی شدن، فناوری ارتباطات، جهانی شدن و سیاست، جهانی شدن و اقتصاد، صنعت گردشگری، توسعه.

مقدمه

«جهانی شدن» (Globalization) فرایندی است که از ابتدای تحولات جوامع بشری رو به رشد و گسترش بوده‌است. اما یکی از نقاط عطف تاریخی در این پدیده را می‌توان در سده‌های اخیر یافت. طی سده‌های ۱۸ و ۱۹ که نظام سرمایه‌داری کشورهای غربی با شتاب بیشتری به‌سوی جذب بازارهای منطقه‌ای و جهانی گرایش یافت، جهانی شدن نیز در میان اندیشمندان و پیشروان به‌ویژه اقتصادی غرب اهمیت بیشتری پیدا کرد. اما اتفاق نظر بیشتر بر این است که «از دهه ۱۹۶۰ مفهوم جهانی شدن وارد فرهنگ لغات شد. پس از پایان جنگ سرد این واژه ابعاد

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه ارتباطات دانشکده صدا و سیما mohammad_dadgaran@yahoo.com

** دانشجوی دکتری ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران NaserAsady@yahoo.com

متنوع و وسیعی پیدا کرد» (قوام، ۱۳۹۰). «در اواخر دهه هفتاد موج جدیدی از فرایند جهانی شدن اقتصاد شکل گرفت که در درجه اول تحت تأثیر تحولات و پیشرفت‌های حیرت‌انگیز در عرصه ارتباطات بود. این پیشرفت‌ها هزینه‌های ارتباط و حمل و نقل را به میزان بسیار زیادی پایین آورد و زمینه‌ساز ادغام جهانی اقتصادها شد.» (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۶۴)

مارتین آلبرو، از نظریه‌پردازان جهانی شدن، این پدیده را به فرایندهایی که براساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم می‌پیوندند، تعریف می‌کند. همچنین آمانوئل ریشر، جهانی شدن را شکل‌گیری شبکه‌ای می‌داند که طی آن اجتماعی که پیش از آن در کره خاکی دورافتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند. بر این اساس در دنیای جهانی شده، واژه ملی جای خود را به واژه بین‌المللی خواهد داد، و منافع افراد و جوامع با هم گره می‌خورد. در واقع جهانی شدن محیط یگانه‌ای را برای کلیه کشورهای جهان به وجود می‌آورد که در آن، پیوندهای بین‌المللی به حداکثر خواهد رسید. ویکی‌پدیا، جهانی شدن را این‌گونه تعریف می‌کند: «جهانی شدن عبارت است از یکپارچه شدن جریان‌هایی که در اقتصاد، جامعه و فرهنگ محلی با شبکه جهانی سیاست به واسطه مخابرات، ترابری و بازرگانی شکل می‌گیرد.»^۱

بنابراین اگرچه جهانی شدن ریشه در روند اقتصاد دارد، اما حوزه‌های دیگر جوامع انسانی را نیز دربر می‌گیرد و دگرگون می‌کند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت جهانی شدن با ویژگی‌های زیر تعریف می‌شود (ویکی‌پدیا، جهانی شدن).

۱. رشد تجارت جهانی و تنوع معاملات بین‌المللی
۲. رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و افزایش جریان سرمایه بین‌المللی
۳. رشد تجارت پول و سرمایه
۴. جریان آزادانه خدمات تولیدی
۵. توسعه صنعت گردشگری
۶. انتقال سریع و رو به رشد فناوری
۷. شکل‌گیری شرکت‌های بزرگ چند ملیتی
۸. تشدید گرایش و تمایل کشورها به عضویت در سازمان‌ها و بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای
۹. مهاجرت نیروی کار در سطح بین‌المللی
۱۰. گسترش ارتباطات و رسانه‌ها و فرایندهای تبادل اطلاعات در سراسر جهان و پدید آمدن دنیای مجازی ارتباطات و اطلاعات
۱۱. ادغام و تبادل شاخص‌ها و رفتارهای فرهنگی
۱۲. تغییر نگرش‌ها، ایدئولوژی‌ها، هنجارها و ...
۱۳. نازک‌تر شدن پوسته دولت‌ها و ایجاد پیوندهای میان‌مردمی؛ که خود دگرگونی هویت را در پی دارد و نیازمند بازتعریف مفاهیمی چون حاکمیت، امنیت، هویت ملی و ... است.

۱۴. جهانی شدن فرآیند است نه یک وضعیت غایی
۱۵. جهانی شدن را باید در قالب پارادایم‌های لیبرالیسم، نئولیبرالیسم، و وابستگی متقابل اقتصادی، سیاسی و... تفسیر و تبیین کرد.^۲

موافقان و مخالفان جهانی شدن

بر اساس دیدگاه‌های انتقادی، جهانی شدن چهره جدیدی از قدرت امپریالیستی است. از دید برخی از اندیشمندان تندرو اسلامی، جهانی شدن، همان «جهانی‌سازی» است که ریشه در برنامه‌های از پیش تعیین شده غرب دارد. البته «عمدتاً کشورهای پیشامدرن با این پدیده ناسازگارند، و آن به این دلیل است که این گونه جوامع به علت فقدان پیش نیازهای لازم (اقتصاد مکمل، درجه بالای تساهل سیاسی و فرهنگی، ساختار دموکراتیک) حاضر به تفویض داوطلبانه اقتدار خویش به یک نهاد فوق ملی نیستند.» (قوام، ۱۳۹۰: ۲۲)

از سوی دیگر بسیاری از صاحب نظران بر مزایای جهانی شدن تأکید می‌کنند. پروفیسور یحیی کمالی پور استاد علوم ارتباطات می‌گوید: «یکی از پیامدهای خوب این حرکت این است که یک دموکراسی در سراسر دنیا در حال شکل گرفتن است ... البته لازمه یک سیستم دموکراتیک و آزاد، رسانه‌های آزاد است. اشاعه دموکراسی، از بین رفتن مرزها و آسان شدن رابطه‌ها، دسترسی به اطلاعات و رد و بدل شدن اطلاعات و یا مکاتبات از جمله پیامدهای مثبت جهانی شدن است.»^۳

از دید بسیاری از خوش بینان جهانی شدن جریانی طبیعی است که دیر یا زود شعاع خود را

بر سراسر جهان گسترش خواهد داد. در این تلقی، همراه با جهانی شدن، دنیا شاهد عالم گیر شدن دموکراسی لیبرال، تجارت آزاد و اصول اعتقادی لیبرال خواهد بود و دیگر فرهنگ‌ها در برابر موج توفنده این جریان رنگ خواهند باخت.

اما جهانی شدن را نمی‌توان فرایندی کاملاً مثبت یا کاملاً منفی خواند، بلکه هم فرصت است هم تهدید. لذا باید از این دو نگرش تعریفی بینابین در نظر گرفت تا با نگاهی واقع بینانه در پی بهره‌مندی از فرصت‌ها و تبدیل تهدیدها به فرصت بود. «جیمز روزنا معتقد است ما در جهان کنونی شاهد دو گونه حرکت مرکزگرا و مرکزگریز هستیم در حالی که حرکت مرکزگرا با تکیه



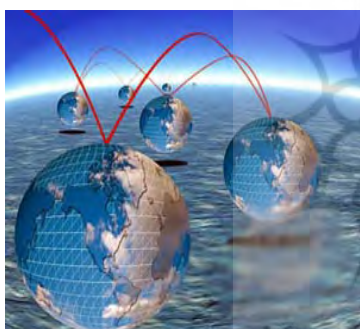
بر فرایند جهانی شدن قصد دارد با گشودن مرزهای محلی مجموعه‌ای از هنجارها و عادات مبتنی بر منافع همگانی را در جوامع مختلف پایه‌گذاری کند. حرکت دیگری در قالب محلی‌گرایی و تفکرات ناسیونالیستی سعی دارد هویت و فرهنگ بومی و ملی خود را حفظ کرده و تعیین بیشتری به منافع ملی کشور بدهد» (مقدمه‌ای بر جهانی شدن، داود کیانی). بنابراین فرایند جهانی شدن پدیده‌ای است که با بُعد منفی و مثبت در پیامدهایش شناخته می‌شود، و این بستگی به سیاست‌ها و سازوکارهایی دارد که هر کشور در مسیر رویارویی با آن به کار می‌بندد.

شاید بتوان در یک تقسیم‌بندی بی‌طرفانه به برخی از آثار مثبت و منفی جهانی شدن به شرح زیر اشاره کرد:

آثار منفی

- افزایش اختلاف طبقاتی، که از نتایج روش اقتصاد سرمایه‌داری است؛
- بندوبست‌های جهانی برای برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای در کشورهای در حال توسعه؛
- بحران دولت ملی و تحمیل دموکراسی غربی؛
- از بین رفتن میراث فرهنگی جوامع و اقوام ضعیف؛
- رشد فرقه‌گرایی و قومیت‌طلبی.

یورگن هابرماس جهانی شدن را از بُعد منفی و چالش‌هایی که به دنبال دارد می‌نگرد. از نظر او مهم‌ترین واقعیتی که لغزش مدرنیزاسیون و ابهامات جهانی شدن را آشکار می‌کند احیای ناسیونالیسم به‌عنوان واکنشی در مقابل جهانی شدن است. وی توجه ویژه‌ای به مشخصات فرهنگ‌های ملی چون تاریخ، سنت، صورت‌های زندگی خاص، در عصر یکپارچگی به‌عنوان عامل تحقق عام‌گرایی دارد.^۴ این که فرهنگ غالب در روند جهان‌گرایی، همسان‌ساز است،



هیچ‌گاه به‌معنای این نیست که انسان‌هایی را می‌پرورد که با یکدیگر تعارض و تنازعی ندارند. همسان‌سازی، آدم‌هایی خودخواه، منفعت‌طلب و بی‌گذشت بازمی‌آورد که تنها به خود و گروهشان می‌اندیشند. این خودمحوری با ایده جهان‌گرایی ناسازگار است. به‌نظر می‌رسد رشد انفجارگونه ملیت‌گرایی و ادعاهای قومی که روند جهانی شدن را به چالش می‌خواند، ریشه در همین امر داشته باشد.^۵

آثار مثبت

- افزایش بهره‌وری ناشی از تولید مشارکتی، و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها؛
- تشریح مساعی و تقویت کشورهای توسعه‌نیافته به بهانه جهانی شدن؛
- گسترش ارتباطات، کنار رفتن زبان اسلحه؛
- تقویت خرده‌فرهنگ‌ها و خرده‌ناسیونالیسم بر بستر جامعه مدنی جهانی؛
- فرسایش حاکمیت دولت‌های مستبد؛
- برداشته شدن مرزها در اقتصاد بین‌الملل، آزادسازی جریان سرمایه بین‌المللی؛
- پویا و چند مرکزی شدن نظام بین‌الملل؛
- حاکمیت نهادها و رژیم‌های بین‌المللی بر اساس اجماع جهانی، گسترش جامعه جهانی مدنی؛
- حفظ حقوق اقلیت‌ها با رسمیت‌یافتن تنوع و تکثر قومی و نژادی.

جهانی‌شدن و اقتصاد

یکی از دستاوردهای مهم جهانی‌شدن، تقسیم کار بیشتر در سطح بین‌الملل است. به عبارت دیگر تحولات فناوری و جهانی‌شدن موجب شده تا عامل اصلی تولید ثروت از دسترسی به زمین و مواد اولیه و تولیدات صنعتی به عامل اطلاعات و دانش منتقل شود. همچنین «یکی از رویدادهای اقتصادی در فرایند جهانی‌شدن، جایگزینی اقتصاد بازرگانی با اقتصاد تولیدی است»^۶. در همین زمینه می‌توان به وضعیت اقتصادی اروپا بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ اشاره کرد. بر اساس گزارش^۷ تارنمای کمیسیون اتحادیه اروپا، در همین دوره اقتصاد اروپا بیشتر به سوی فعالیت‌های مالی پیش رفته است.

بر اساس گزارش سال ۲۰۱۲

فعالیت‌ها/تعداد افراد شاغل(هزارنفر)	سال ۲۰۰۰	سال ۲۰۰۷	افزایش/(کاهش)درصد
تولیدات کشاورزی	۷۳۵	۶۳۳	(۱۳)
تولیدات صنعتی	۱۶۰۵۹	۱۶۷۹۱	۴
ساخت‌وساز	۴۹	۵۷	۱۶
فعالیت‌های هتل‌داری، رستوران، حمل‌ونقل	۴۳۶۵	۵۶۳۶	۲۹
خدمات مالی	۱۷۲۲	۲۵۹۰	۵۰
دیگر خدمات	۴۲۱	۳۸۹	(۷)

چنان‌که در جدول بالا مشاهده می‌شود، در این مدت نیروی کار شاغل در اروپا به سوی بازارهای مالی گرایش بیشتری داشته‌اند. این خود گویای تأثیر جامعه اطلاعاتی بر روند اقتصادی است. بر اساس همین گزارش در سال ۲۰۱۳ سه‌چهارم اروپایی‌ها کاربر اینترنت هستند.^۸ طی دهه ۶۰ نرخ رشد سرمایه‌گذاری خارجی ۲ برابر نرخ رشد تولید ناخالص ملی و ۱/۴ برابر نرخ رشد کل صادرات جهان بود. اما در فاصله ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۳/۵ برابر شد و با سرعت از نرخ‌های رشد تولید ناخالص ملی و صادرات پیشی گرفت. رشد سریع‌تر تجارت بین‌المللی نسبت به تولید ناخالص جهان بیان‌گر افزایش ادغام اقتصاد جهان است.^۹

جهانی‌شدن اقتصاد هم گسترش جغرافیایی را در بردارد و هم مفهوم فرایندی دارد که شدت و فشرده‌شدن وابستگی‌ها، پیوندها و تعاملات بین اقتصادی را در برمی‌گیرد. لذا ترسیم جهانی‌شدن اقتصاد به شکل فرایندهای متعدد، متکثر و گسترده الزام‌آور است. جهانی‌شدن اقتصاد بر ماهیت بی‌مرز جریان‌های اقتصادی تأکید می‌ورزد. نتیجه وضعیت فوق این است که توان نظم بخشیدن به اقتصادهای ملی از بین می‌رود و نظام اقتصادی جهانی جایگزین آن می‌شود. (اخوان زنجانی، ۱۳۸۱: ۷۲)

آنچه مسلم است اینکه در این فرایند، اقتصادی موفق‌تر خواهد بود که بر پایه اقتصاد آزاد و دیدگاه‌های پارادایم وابستگی فعالیت کند. از آنجا که «محرك و عامل اصلی جهانی‌شدن، نظام

سرمایه‌داری به‌شمار می‌رود» (قوام، ۱۳۹۰: ۱۰۷). لذا برای تبیین روندها و رفتارهای جهانی باید مسائلی را بر پایه نگرش‌های اقتصاد آزاد ارزیابی کرد.

در فضای اقتصادی غرب، بخش خصوصی بیش از دولتی فعال است. همچنین بازیگران غیردولتی (NGO) ها که عمدتاً از سرمایه‌های بورسی بهره می‌برند، محدودیت‌های دولت را ندارند (قوام، ۱۳۹۰)، لذا فارغ از مرزها و محدودیت‌های سیاسی و فرهنگی در هر جای دنیا می‌توانند حضور داشته باشند. «برآورد شده که بیش از ۶۰۰۰ NGO در آمریکای لاتین وجود دارد. در کنیا ۴۰۰ تا ۶۰۰، در بنگلادش بیش از ۱۰۰۰۰۰ NGO زیست‌محیطی وجود دارد که ۲۵۰ نمونه آن منابع مالی خود را از خارج دریافت می‌کنند. همچنین در فیلیپین ۲۸۰۰۰ NGO و در هند ۳۳۱ گروه زیست‌محیطی فعالیت می‌کنند» (قوام، ۱۳۹۰: ۱۳۸). این‌ها همه نشانه‌هایی برای همخوانی بیشتر چنین کشورهایی با پدیده جهانی شدن است.

از دیگر پارادایم‌های مورد نظر می‌توان به نظریه وابستگی متقابل اشاره کرد. تفکری که از حدود دهه ۱۹۷۰ میلادی وارد بحث‌های جهانی شد. بر این اساس باید دولت‌ها به یکدیگر نزدیک شده و نیازهای یکدیگر را با هزینه‌هایی کمتر پوشش دهند. عقل اقتصادی و سیاسی تبیین‌کننده چنین دیدگاهی است که امروز نیز جایگاه ویژه‌تری یافته است. «از نگاه نظریه‌پردازان وابستگی متقابل، سازمان‌های بین‌المللی و نیز غیرحکومتی اصلی‌ترین عوامل وابستگی متقابل کشورها به یکدیگرند» (قوام، ۱۳۹۰: ۱۱۲). بنابراین در این فرایند هر قدر نهادهای غیردولتی ابتکار عمل بیشتری داشته باشند، طبیعی است که از فرصت‌های آن بهره‌برداری بیشتری خواهند داشت.

از شاخص‌های مهم برای ارزیابی اقتصادی توانمند و آماده برای جهانی شدن، داشتن شرکت‌های فرامرزی است. این شرکت‌ها با سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کنار جذب سرمایه‌های خارجی به داخل، باعث تقویت ارتباطات بین‌الملل در کنار تقویت اقتصاد داخلی و جهانی می‌شوند.

شواهد حاکی از آن است که اخیراً در سه قطب ژاپن، آمریکا، و اتحادیه اروپا ۳۷۰۰۰ شرکت فراملی وجود دارند که در تمام دنیا دارای ۲۰۰۰۰۰ شعبه هستند دوسوم این شرکت‌ها در ۱۴ کشور صنعتی دنیا قرار دارند آثار جهانی شدن را بر اقتصاد جهانی می‌توان با تحلیل تأثیرات آن روی برخی از پدیده‌ها نظیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، تجارت جهانی، رابطه بین رشد اقتصادی و اشتغال، سازماندهی علم و تکنولوژی، نظام‌های صنعتی و فرایندهای همگرایی اقتصادی میان منطقه‌ای بررسی کرد (قوام، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

در سال ۲۰۱۲ کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی ۱۳۵۱ میلیارد دلار بوده که ۵۶۱ میلیارد دلار آن مربوط به کشورهای توسعه‌یافته و ۷۰۳ میلیارد در کشورهای در حال توسعه و مابقی در حال آزادسازی بوده است. از ۷۰۳ میلیارد مبلغ ۴۰۷ میلیارد از آن آسیا بوده که بیشترین رقم ۳۴۳ میلیارد دلار مربوط به شرق و جنوب شرق آسیاست. کمترین رقم نیز مربوط به جنوب ۴۴ میلیارد دلار و غرب آسیا ۴۹ میلیارد دلار بوده است.^{۱۰}

این آمار به خوبی نشان می‌دهد بیشترین سهم تعاملات اقتصادی در سطح بین‌المللی از آن کشورهایی است که یا صنعتی‌اند و یا مسیر اقتصاد آزاد را طی می‌کنند. همچنین با نگاهی به جدول زیر در مورد توزیع سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای خاورمیانه می‌بینیم که جایی برای اقتصاد ایران وجود ندارد.

جریان سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۱۲

جریان‌های خروجی	جریان‌های ورودی	نرخ سرمایه‌گذاری
	ترکیه و عربستان سعودی	بیش از ۱۰ میلیارد دلار
کویت	امارات متحده عربی	۵ تا ۹/۹ میلیارد دلار
عربستان سعودی، ترکیه، امارات متحده عربی، قطر، و عمان	لبنان، عراق، کویت، عمان، و اردن	۱ تا ۴/۹ میلیارد دلار
بحرین، لبنان، عراق، یمن، اردن، و فلسطین	بحرین، یمن، قطر، و فلسطین	کمتر از ۱ میلیارد دلار

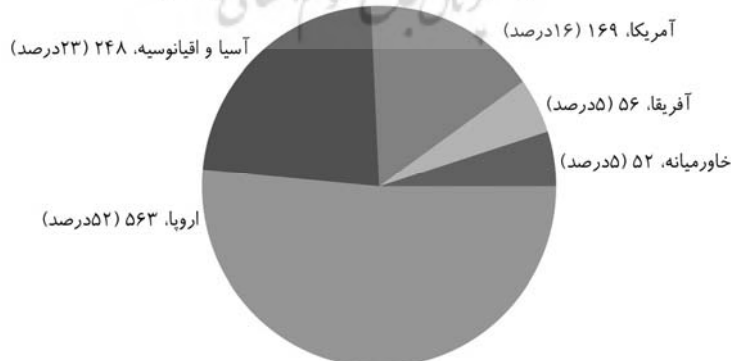
منبع: UNCTAD.

بر اساس آمار منتشر شده (مربوط به سال ۲۰۱۱) از سوی مؤسسه تحقیقاتی فریزر، ایران از لحاظ آزادی اقتصادی در بین ۱۵۲ کشور جهان در رده ۱۲۷ قرار دارد. برخی از شاخص‌های مورد بررسی عبارت‌اند از حجم و اندازه دولت، آزادی تجارت بین‌المللی و قوانین اعتبارات. همچنین بنابر گزارش بانک جهانی در زمینه سهولت فعالیت‌های اقتصادی و فضای کسب‌وکار، ایران در بین ۱۸۹ کشور جهان رتبه ۱۵۲ را به دست آورده است. از نظر یکی از شاخص‌های مورد توجه در این زمینه یعنی تجارت برون‌مرزی، ایران از رتبه ۱۴۳ برخوردار است.^{۱۱}

سهم گردشگری در اقتصاد جهان و ایران

یکی دیگر از شاخص‌های مهم برای ارزیابی زمینه‌های مستعد برای جهانی‌شدن و ورود به تعاملات بین‌المللی صنعت گردشگری است. تعداد گردشگران بین‌المللی در سال ۲۰۱۳ حدود ۱۰۸۷ میلیارد نفر بوده است. از این رقم تنها ۵ درصد مربوط به خاورمیانه است. طبق شکل زیر مشاهده می‌شود که صنعت گردشگری در کشورهای اروپایی و آمریکایی بیشترین رونق را دارد.^{۱۲}

تعداد گردشگران در سال ۲۰۱۳ بر اساس منطقه (میلیون نفر)



منبع: سازمان جهانی گردشگری

بر اساس گزارش اتحادیه اروپا از هر ۷ نفر یک نفر در صنعت گردشگری فعالیت می‌کند.^{۱۳} در مورد کشورمان، معاون امور مجلس، حقوقی و استان‌های سازمان میراث فرهنگی کشور طی گفت‌وگویی با خبرنگار مهر می‌گوید: در سال ۲۰۱۳، یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون گردشگر خارجی در سطح جهان جابه‌جا شده که سهم ایران از این تعداد چهار میلیون گردشگر خارجی بوده است.^{۱۴} این رقم تنها ۹ درصد کل گردشگران منطقه را نشان می‌دهد. در حالی که در مقایسه با کشوری چون اسپانیا (با رقمی معادل ۶۰ میلیون نفر در سال ۲۰۱۳)^{۱۵} به‌عنوان یک کشور اروپایی اصلاً قابل مقایسه نیست. همین کشور در سال ۲۰۱۲ تعداد ۵۷/۷ میلیون نفر گردشگر را پذیرا شده که از این بابت درآمدی معادل ۵۵/۹ میلیارد دلار به‌دست آورده است،^{۱۶} یعنی بیش از دو برابر درآمد پیش‌بینی شده نفتی در سال ۱۳۹۳ برای کشورمان ایران (۷۷۰ هزار میلیارد ریال).^{۱۷} این در حالی است که «بر اساس گزارش سازمان جهانی گردشگری، ایران رتبهٔ دهم جاذبه‌های باستانی و تاریخی و رتبهٔ پنجم جاذبه‌های طبیعی را در جهان دارا است.» بنابراین با توجه قدمت ایران و ظرفیت‌های بسیار بالای آن در صنعت گردشگری، می‌توان از این امکان به‌عنوان یکی از بهترین زمینه‌های رشد و توسعه همه‌جانبه استفاده کرد، که بی‌شک آماده‌سازی بسترهای ارتباطی و همراهی با فرایند جهانی‌شدن، از سازوکارهای ناگزیر این مهم است.

جهانی‌شدن و سیاست

طی فرایند جهانی‌شدن، بحران معنا بسیاری از مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی، نظامی، هویتی و ... را دربرمی‌گیرد. لذا بایستی در این شرایط به بازتعریف این گونه مفاهیم پرداخت. مثلاً یکی از عوامل سازندهٔ هویت، تعارضات و جنگ‌ها بوده‌است. در صورت ورود و یا تحقق جهانی‌شدن، دوست و دشمن، جنگ و امنیت، مفاهیم خود را از دست می‌دهند. در این شرایط است که باید به تعارضات درون‌سیستمی توجه شود. همچنین در این شرایط نبود تهدید به معنای ایجاد امنیت نیست. (قوام، ۱۳۹۰)

از این رو در برخورد منطقی با فرایند جهانی‌شدن باید به ساختارهای سیاسی، اجتماعی و ... توجه کرد و موضوعاتی را که دغدغهٔ همگان است بازتعریف کرد. این امر در کشورهای توسعه‌یافتهٔ غربی به مراتب بسیار راحت‌تر از کشورهای جهان سوم انجام می‌گیرد. عواملی تاریخی و سیاسی باعث شده که جوامع توسعه‌نیافته در این فرایند با چالش‌های جدی‌تری روبه‌رو شوند.

نبود زمان مناسب برای دولت-ملت‌سازی، عدم جذب انگاره‌های قومی در ابتدای مدرنیزاسیون در کشورهای جهان سوم و تقاضای این گروه‌های قومی برای مشارکت سیاسی، اقتصادی، توزیعی و عدالت اجتماعی قبل از اتمام فرایند دولت-ملت‌سازی، ظهور دولت‌های اقتدارگرا از متن نیمه‌تمام پروژه دولت-ملت‌سازی و بروز چرخهٔ ترکیبی از نژادهای قومی و بین‌دولتی در جهان سوم از جمله عواملی هستند که فرایند دولت-ملت‌سازی را در جهان سوم

دچار ضعف و رکود ساخته‌اند (همان: ۲۴۱). علاوه بر بحران هویت ملی و قومی، و بازتعریف آن در فرایند جهانی‌شدن، دموکراسی نیز موضوعی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

دموکراسی به‌عنوان آخرین مرحله دولت‌سازی تلقی می‌شود. در این معنا برای بسیاری از کشورهایی که مراحل اولیه دولت‌سازی را می‌گذرانند، دموکراسی به‌عنوان عاملی برای واگرایی انگاره هویت ملی تلقی می‌شود (همان: ۲۴۳). بنابراین بر موضع اقتدارگرای خود پای می‌فشارند. و بدین ترتیب در فرایند جهانی‌شدن موضع مخالف داشته و آن را تهدیدی برای همبستگی و همگرایی ملی می‌دانند.

برای توصیف رابطه بین اقتدارگرایی دولت‌ها و فرایند دموکراسی می‌توان از سه معیار اساسی سود جست. این سه معیار، به‌زعم ما، پیشرفت‌های اقتصادی، میزان گذار از فرایند دولت‌سازی، و سیاست‌های ایدئولوژیک است. (همان: ۲۴۴)

بنابراین برای پرداختن به این موضوع لازم است ابتدا با نگاهی آسیب‌شناسانه مشکلات را دریافت و آنگاه در پی حل آن بر اساس رویدادهای روز و واقعیات پیش رو اقدام کرد. سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی باید از پویایی لازم برخوردار بوده تا در سایه نگرشی واقع‌بینانه، به بازتعریف مفاهیم پرداخت. «اشکال جدیدی از قدرت در حال پدیدارشدن است که در گُش جمعی قابل حصول است نه در انزوا. مثلاً در فرایند جهانی‌شدن رسانه‌های جمعی، خواه‌ناخواه دولت‌ها در معرض انتقادات شدید قرار دارند و لذا اگر دولتی بخواهد تصویر موجود از خود را در افکار عمومی جهانی بهبود بخشد، باید وارد تعامل با قدرت نرم رسانه‌ها شود.» (همان: ۷۳)

در اثر تحولات ناشی از فرایند جهانی‌شدن، حقوق بشر از معنای سنتی خود، که تاکنون در چارچوب مرزها و ایدئولوژی‌های خاص تفسیر و هنجارمند می‌شده، رو به دگرگونی می‌رود، و رفته‌رفته به موضوعی برای مداخله در سیاست‌های داخلی دولت‌ها می‌انجامد. همچنین مفهوم امنیت و خشونت حوزه گسترده‌تری می‌گیرد؛ از جمله محیط زیست، امنیت اقتصادی، ارتباطی و ... که این تحول را در حوزه ارتباطات و اطلاعات بیشتر می‌توان دید. «با پیروی از رفتار سایبرنتیکی، شبکه‌ها باید بتوانند سیاست‌های لازم را ابداع کنند. آن‌ها باید بتوانند رفتار خود را بر حسب نیاز تنظیم و کنترل کنند و حیطة مورد نیاز خود را به‌وجود بیاورند. عواملی که به‌طور سنتی در شکل‌گیری سیاست خارجی مؤثر واقع می‌شدند، مانند ارزش‌ها، اهداف، قدرت و اجرا همه متحول شده‌اند.»^{۱۹}

بنابراین حکومت‌ها به‌جای برخورد خشن و سرکوب‌گرانه با حرکت‌های اجتماعی، لازم است مسیری مناسب برای مشارکت سیاسی و اجتماعی همگان فراهم کنند تا از فرصت‌های ایجاد شده بهره مناسب ببرند. اگرچه برخی از بدبینان، فضای جهانی‌شدن را تهدیدی برای دموکراسی پیش‌بینی کرده‌اند، اما از آنجا که فضای عمومی گسترده‌تر و بانفوذتر شده است، می‌تواند خود فرصتی برای ایجاد و تقویت دموکراسی باشد.

جامعه مدنی جهانی به‌طور چشمگیری هنجارهای به اصطلاح «حکومت مطلوب» را در سطح وسیعی ترویج کرده‌است. رسانه‌های گروهی جهان موجب تشویق فعالان دموکراسی از چین تا نیجریه و از یوگسلاوی تا شیلی شده‌اند. چارچوب‌های نوین می‌تواند شرایط بیان نیازها و خواست‌های مردم و پاسخگویی به آن‌ها را بهتر از سازوکارهای دولت مدار فراهم کنند. مثلاً برخی از تحلیل‌گران از جهانی شدن به این دلیل استقبال می‌کنند که آن را عاملی می‌دانند که انتقال قدرت و اصل اختیار تصمیم‌گیری فردی را تسهیل می‌کند و نیروی حاکم همواره در نزدیک‌ترین فاصله ممکن با شهروندان قرار می‌گیرد. هواداران نوآوری در شیوه‌های دموکراسی از شکل‌گیری جامعه مدنی به‌عنوان چند جانبه‌گرایی از پایین به بالا که رفاه عموم را دنبال می‌کند، حمایت کرده‌اند. به همین ترتیب تعدادی از نظریه‌پردازان سیاسی جهانی شدن را محرکی برای ظهور شیوه‌های جدید و مؤثر شهروندی تلقی کرده‌اند.^{۲۰}

جهانی شدن و فرهنگ

در عصر جهانی شدن یک واگرایی فرهنگ در سطح ملی و یک همگرایی فرهنگ در سطح جهانی در حال شکل‌گیری است. در نتیجه، وضعیت تعارض آمیزی ایجاد می‌شود که هر طرف آن مکمل دیگری نیز است. از یک سو، جست‌وجو یا بازیابی «فرهنگ خودی» و از سوی دیگر، خطر از دست رفتن این فرهنگ تهدید و واکنش، هر دو به آگاهی‌های جدیدی شکل می‌دهند که فرهنگ را در رأس امور قرار می‌دهد. (اخوان زنجانی، ۱۳۸۱: ۱۱۸)

یکی از مسائلی که در این مسیر مطرح می‌شود، ناسیونالیسم و خرده‌ناسیونالیسم است. «مفهوم ناسیونالیسم در ابتدا در رقابت با مفاهیمی چون مذهب، نژاد، جنسیت، طبقه، و منطقه قرار گرفت، اما با ظهور انقلاب‌های آمریکا و فرانسه به‌عنوان عنصری ذهنی بر آنان پیشی گرفت و به‌عنوان هویتی جمعی مطرح شد و سه اصل اساسی ناسیونالیسم در اندیشه ناسیونالیست‌هایی چون روسو، هردر، نیچه، کوریس، و مازوینی مورد تأیید قرار گرفت.» (قوام، ۱۳۹۰: ۲۹۵)

مقوله‌هایی چون هویت، ناسیونالیسم و ... از مفاهیمی است که تاکنون معنایی سنتی از آن می‌شده ولی اکنون با جهانی شدن دچار بحران شده‌اند. لذا نیازمند آکاوی معنایی هستند. امروزه هویت‌های جدید هم در کشورهای غربی و هم در کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود. «اما تفاوتی اساسی میان ظهور هویت‌های جدید محلی و مبنی بر جنسیت غرب و ظهور قومیت‌های جهان سوم وجود دارد. تفاوت اساسی این دو روند در این مسئله نهفته است که تجلیات اخیر سیاست‌های تازه ظهور یافته جهان سوم ناشی از ناتوانی این دولت‌ها در جذب این هویت‌های خرد در انگاره هویت ملی خود است.» (همان: ۲۴۷)

هویت‌های فروملی در غرب بر اساس مسئله سیاسی روز و جنسی و یا اصلاح سیاسی تعریف می‌شود. اما هویت‌های قومی در جهان سوم بر اساس نژاد، خاک، و زبان تعریف می‌شود و با چهره‌ای از قتل عام، هرج و مرج، و نزاع‌های خونین همراه است. (همان: ۲۴۸)

«دولت‌های اروپایی توانسته‌اند در سایهٔ بازتعریف موضوعاتی چون دولت ملت، قدرت، حاکمیت و هویت ملی گام‌های مثبتی برای خلق یک هویت جدید به نام اروپا بردارند. اما در مقایسه، بیشتر کشورهای جهان سوم مرزهای همسایگان خود را به‌عنوان منبعی برای ناامنی تلقی می‌کنند» (همان: ۳۱۴). و این به دلیل آن است که در این کشورها برخلاف اروپا، ناسیونالیسم نارس بوده و نتوانسته است به شکل‌گیری نهادها یا هویت‌هایی چون اتحادیه اروپا بینجامد.

به گمان بسیاری از نویسندگان، اروپا اکنون دورهٔ گذار از ناسیونالیسم به یک نوع هویت جدید را طی می‌کند... اروپا با بازتعریف هویت خود که از طریق قدرت و معنا به‌دست می‌آورد، در پی کسب هویت دسته‌جمعی جدیدی است که صرفاً یک اتحادیه اروپایی از نوع فدرال نیست، بلکه علاوه بر اینکه نسبت به مسائل اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای قدرت حساس است، چارچوبی را برای یک ملت بدون کشور فراهم می‌آورد (همان: ۳۰۴). این در حالی است که نظام فدرالیسم برای کشوری چون ایران هنوز تهدیدکننده است. به‌عبارتی چنین نظام حکومتی به‌عنوان خطری برای تجزیه تلقی می‌شود.

آن طور که عده‌ای از نویسندگان استدلال می‌کنند جهانی شدن به دو صورت می‌تواند در کشورهای جهان سوم عاملی برای فرونشاندن نزاع‌های قومی باشد. از یک سو گسترش فضای اقتصادی و جریان پول و سرمایه به‌عنوان یکی از چهره‌های جهانی شدن می‌تواند در درازمدت به توسعه و رفاه اقتصادی کشورهای جهان سوم بینجامد و از این طریق نزاع‌های قومی را برای کسب منابع اقتصادی به حداقل برساند. از سوی دیگر گسترش فضای اطلاعاتی و جریان فزاینده اطلاعات مرزهای متصلب جوامع جهان سوم را دچار خلل و نفوذ قرار می‌دهد و از این طریق از قدرت دولت‌های اقتدارگر می‌کاهد و آنان را به استفاده از شیوه‌های دموکراتیک در مورد قومیت‌ها می‌کشاند. (همان: ۳۱۶)

بنابراین اصلاحات اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت و سرمایه‌گذاری را می‌توان پایه‌ای برای هماهنگی با جهانی شدن و تفویض اختیارات حکومتی دانست، به‌گونه‌ای که تهدید در برابر یکپارچگی فرهنگی و سیاسی را به حداقل رساند. و همچنین گردش آزاد اطلاعات و ارتباطات را، که امروزه از نیازهای اساسی همه جوامع است و مرزها را درنوردیده، نمی‌توان نادیده گرفت.

نکته‌ای دیگر در رابطه با جهانی شدن و تحولات پیش روی کشورهای جهان سوم مطرح است، در مورد جوامعی است که از نظام سیاسی و فرهنگی مذهبی و ایدئولوژیک برخوردارند. از آنجا که «اصولاً ایدئولوژی‌ها تقلیل‌گرا و حقیقت‌محورند و همین امر سبب می‌شود با رویدادهای جهانی برخورد‌های نرماتیو (هنجاری) داشته باشند» (همان: ۳۸)، لذا بیشترین مقاومت را نیز در برابر هرگونه دگرگونی افراد و جوامع دارند، به‌ویژه تحولاتی که ریشه در نظام سرمایه‌داری غرب و مدرنیته داشته باشد.

بنابراین آنچه در این فرایند لازم به‌نظر می‌رسد، داشتن نگاهی واقع‌بینانه و امروزی به مسائل جهانی است. به‌عبارتی به‌جای نگاهی سلبی و بازدارنده نسبت به امر جهانی شدن و ارتباطات

فراملی، بایستی سازوکارها و برنامه‌ریزی‌هایی کرد تا هماهنگ با رویدادهای جاری بین‌المللی نگرش‌های سنتی را تعدیل کرده و به بازتولید معنا و مفهوم در حوزه‌های گوناگون پرداخت. در این صورت است که فرصت‌ها را دریافته و بهره خواهیم برد.

جهانی‌شدن، فناوری و ارتباطات

جهانی‌شدن با شبکه CNN شروع شد. این شبکه برای نخستین‌بار جهانی شد و اخبار را در دسترس مردم دنیا قرار داد. جوهره اصلی تمدن و فرهنگ عصر جهانی‌شدن ترکیبی است از تکنولوژی، نظام‌های ارتباطی جهانی، همراه با تولید، انتقال و پردازش اطلاعات. ماهیت، تولید، پردازش و انتقال اطلاعات به‌نحوی است که سریع‌تر از عناصر دیگر جهانی‌شدن ابعاد جهانی پیدا کرده‌است. لذا انقلاب ارتباطی دگرگونی‌های عمیق و گسترده‌ای در ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها ایجاد کرده‌است. ماهیت تحولات فوق به‌نحوی است که فرهنگ و فرهنگ‌سازی در رأس امور جهانی قرار گرفته‌است. ارتباطات را می‌توان به‌مثابه مجموعه‌ای از ابزارها و تکنیک‌ها جهت انتقال اطلاعات تلقی کرد.^{۲۱}

در جامعه اطلاعاتی و همراه با جهانی‌شدن «دانش به‌عنوان ابزار حقیقت‌سازی در تولید قدرت، بالاترین اولویت را دارد» (اخوان زنجانی، ۱۳۸۱: ۱۷۸). از این روست که محور قدرت در جنبش‌های اجتماعی، اطلاعات و آگاهی است. در این راستا فناوری‌های نوین ارتباطی با ویژگی قدرتمند نفوذ و گستردگی خود، به توزیع اطلاعات و قدرت کمک می‌کنند.

دولت‌های اقتدارگرا، که بر اعمال شیوه‌های سنتی زور پای می‌فشارند تا حاکمیت خود را مشروعیت بخشند و با تصلب مرزبندی‌های خودی و غیرخودی پایه‌های قدرت را مستحکم نگه دارند، باید متوجه این واقعیت شوند که در روند جهانی‌شدن قدرت در جریان عمل ارتباطی ساخته می‌شود.^{۲۲}

کلی شرکی، استاد رسانه‌های نوین دانشگاه نیویورک می‌گوید: «رسانه‌های اجتماعی برای جامعه شهری سراسر جهان، از شهروندان معمولی گرفته تا کوشندگان مدنی، دولت‌مردان، سازمان‌های خیریه، سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های خصوصی، تولیدکنندگان نرم‌افزار و غیره، به یک واقعیت در زندگی تبدیل شده‌است.» برای نمونه وقتی در مصر رژیم حسنی مبارک با بستن جریان اطلاعات بر روی اینترنت، کوشید تا مانع سقوط حکومت شود، با واکنش‌های بدتری روبه‌رو شد. این کار به اعتراض بیشتر و گسترده‌تری انجامید. فیس‌بوک بهترین راه بدون خشونت در دستیابی به همه کوشندگان جوان در کشور بود.^{۲۳}

مفاهیمی چون فضای سایبرنتیک، جهان را به شکل شبکه‌های ارتباطی به تصویر می‌کشند که دارای مرزهای خاص خود است که با مرزهای ملی هماهنگی ندارد. الگوی مکانیکی که جبرگرایی در رفتار انسان را ترسیم می‌کرد، پشت سرگذاشته شده و جای آن را الگوی ارتباطی گرفته‌است. از این منظر تحول و تکامل، یک فرایند جبری نیست، بلکه فرایندی است که انسان

طراح، سازنده و پیش‌برنده آن است؛ نظریه ارتباطات، هر عنصری را در بستر محیطی آن قرار می‌دهد و بدین‌وسیله روش‌های جدید ایجاد واقعیت را به‌وجود می‌آورد.^{۲۴}

در همین راستا است که با رشد روزافزون پدیده جهانی‌شدن، دیگر نمی‌توان به نظریه‌های سنتی (ارتباطی، اقتصادی و...) اتکا کرد. افراد و دستگاه‌های نظریه‌پرداز در این فرایند و هماهنگ با آن، شیوه‌های نوینی را برای تبیین مسائل اتخاذ می‌کنند.

در زمانی که رسانه‌های رادیو، تلویزیون، و روزنامه و ... رسانه‌های برتر بودند، تبیین مسائل ارتباطی در قالب نظریه‌های سنتی مطرح می‌شد. اما اینک با رشد و گسترش تار جهان‌گستر (که شاید مهم‌ترین علت و ابزار جهانی‌شدن اقتصاد باشد) تبیین مسائل ارتباطی و اقتصادی و ... در جوامع به شیوه‌های سنتی ناممکن یا دشوار است. نظریه تأثیر سی‌ان‌ان از جمله مواردی است که دگرگونی در این عرصه را به نمایش می‌گذارد. طبق این نظریه رسانه‌های نوین ارتباطی از چنان سرعت و شتاب رو به رشدی برخوردارند که مجالی به صاحب‌نظران نمی‌دهد تا به تأمل و تفکر بپردازند.

دنیس مک‌کویل در ویرایش پنجم *نظریه ارتباطات*، علت این دگرگونی در نظریه‌پردازی را به ویژگی‌های خاص تار جهان‌گستر مرتبط می‌داند. «نخست اینکه اینترنت یک‌ه و تنها درگیر تولید و توزیع پیام نیست، بلکه در رابطه با پردازش، تبادل آرا و حفظ اطلاعات کار می‌کند. دوم اینکه، رسانه‌های نوین، همان‌قدر که نهادی عمومی هستند خصوصی به‌شمار می‌آیند و طبیعتاً بر همین اساس مدون شده‌اند. سوم اینکه، فعالیت همه آن‌ها به شکل حرفه‌ای نیست و یا به اندازه رسانه‌های جمعی دیگر، از نظر اداری و قانونی سازمان‌یافته نیستند.»^{۲۵}

به همین دلیل و با توجه به اینکه امروزه (در مسیر جهانی‌شدن) اینترنت مهم‌ترین بستر و فضای کارکردهای ارتباطی و اقتصادی را تشکیل می‌دهد، بهینه‌سازی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری این فضا تأثیری چشمگیر در رشد و توسعه همه‌جانبه خواهد داشت. بی‌گمان نقش نهادهای مرتبط دولتی در این زمینه بیش از هر عامل دیگری اثرگذار است، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای مانند ایران. اما این نقش دولتی، چنانکه در کشورهای موفق شاهدیم، به‌گونه‌ای نظارت بر جریان آزاد ارتباطات و اقتصاد بوده است، نه به‌گونه سلبی و بازدارندگی.

جا دارد در این زمینه به آمار و ارقامی اشاره شود که گویای تحولات اساسی گوناگون بر بستر رسانه‌های نوین است. در سال ۲۰۱۳ در اروپا ۶۱ درصد از کاربران از تار جهان‌گستر برای خرید کالا و خدمات استفاده کرده‌اند (۸۵ درصد بریتانیا، ۸۱ درصد دانمارک، ۸۰ درصد آلمان، و کمترین میزان از آن رومانی با ۱۵ درصد)^{۲۶}. در این خصوص برای شبکه‌های اجتماعی باید جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفت. امروزه بسیاری افراد از شبکه‌های اجتماعی نه تنها استفاده ارتباطی می‌کنند، بلکه به فعالیت اقتصادی نیز مشغول هستند. بر اساس گزارش ارائه شده از سوی همین تارنما، ۳۰ درصد از بنگاه‌های اقتصادی اروپا در سال ۲۰۱۳ از شبکه‌های اجتماعی استفاده کرده‌اند.

بر اساس گزارش سپتامبر ۲۰۱۳ مرکز پژوهش‌های آماری پوریس‌چ^{۲۷} ۷۳ درصد از کاربران اینترنت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. از این میزان ۷۱ درصد در فیس‌بوک، بیشترین و ۱۷ درصد در اینستاگرام، کمترین کاربران را تشکیل می‌دهند. بر اساس همین گزارش ۴۰ درصد از دارندگان تلفن همراه به شبکه‌های اجتماعی متصل هستند. ۲۸ درصد از این تعداد، اتصال و استفاده از شبکه‌های اجتماعی از طریق تلفن همراه را روزمره تجربه می‌کنند.

بسیاری از مشاغل خانگی اینترنت و تلفن همراه را فضایی برای کسب درآمد یافته‌اند. همین گزارش نشان می‌دهد که درآمدی معادل ۳۰ هزار تا بیش از ۷۵ هزار دلار در سال را افراد از طریق تلفن همراه یا تار جهان‌گستر کسب کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه در این زمینه نقش مهم‌تری دارند. ارتباط با افراد از راه رایانامه و این شبکه‌ها، آسان‌ترین و ارزان‌ترین روشی است که در سطحی وسیع کاربرد دارد. به‌ویژه اگر جهانی‌شدن را در پی داشته باشیم. همه این مثال‌ها گویای جایگاه مناسب و رو به رشد فضای مجازی برای فعالیت‌های گوناگون ارتباطی و اقتصادی جهانی است. تردیدی نیست که با تقویت جهانی‌شدن، این بستر از اهمیت روزافزونی برخوردار خواهد بود.

در دهه اخیر استفاده گسترده از اینترنت عامل اصلی رشد سریع اقتصادی آمریکا محسوب می‌شود. سیستم‌های مکمل مانند اکسترانت (extranet) یا تجارت الکترونیکی که پیوند بین شرکای تجاری و مشتریان را فراهم کرده و بالأخره اینترنت یا نظام‌های ارتباطی درون شرکتی که مکمل اینترنت تلقی می‌شوند، همه در رشد سریع، برتری تکنولوژیکی و برتری اطلاع‌رسانی آمریکا نقش بسزایی ایفا کرده‌اند. از ۱۲ شرکت بزرگ جهانی در حوزه تولید و پخش کالاها، برنامه‌ها و انتشارات فرهنگی نه شرکت اول آمریکایی هستند و سه شرکت دیگر اروپایی.^{۲۸}

کنترل نظام‌های ارتباطاتی وسیله‌ای است برای کنترل ارتباطات، فرهنگ‌ها و رفتارها. کنترل ارتباطات یعنی کنترل جریان معناسازی و فرهنگ‌سازی و کنترل و انتقال آن جهت تحقق منافع خاص. اگر اطلاعات و ارتباطات عامل قدرت باشد، کسی که آن را بهتر تولید کند، کسی که آن را بیشتر جمع‌آوری کند، کسی که از آن بیشتر داشته باشد و کسی که آن را بهتر و سریع‌تر انتقال دهد، از قدرت برتر برخوردار خواهد بود. در وضعیت فوق تکنولوژی عاملی تعیین‌کننده است. جریان اطلاعات به اندازه‌ای گسترده و پرشتاب است که فقط ابزارهای جمع‌آوری، پردازش و تحلیل خودکار پیشرفته می‌توانند اطلاعات را قابل فهم کنند.^{۲۹}

انقلاب ارتباطی و شکل‌گیری یک نظام ارتباطی جدید دیجیتالی، نه تنها "مرگ جغرافیا" را رقم زده، بلکه مرزهای سیاسی را نیز از میان برداشته است. ارتباط‌های مبتنی بر فناوری‌های الکترونیک در برگزیده ماهواره، اینترنت، شبکه‌های رایانه‌ای، تلفن، نامبر و از این قبیل، هرگونه مانع و محدودیت طبیعی و سیاسی را از بین می‌برد و افکار و اطلاعات، بدون هیچ‌گونه کنترل و مزاحمت سیاسی از مرزهای ملی عبور می‌کنند. گر چه دولت هنوز می‌تواند جریان‌های مادی را در مرزهای ملی و سرزمین تحت حاکمیت خویش کم‌وبیش کنترل کند، ولی کنترل

جریان‌های اطلاعاتی در شبکه‌های بسیار پیچیده و متنوع ارتباطات جهانی دشوار و در واقع ناممکن است. هر اندازه که جوامع اطلاعات محور می‌شوند، سیالی و تحرک امر اجتماعی افزایش می‌یابد، روابط اجتماعی فراملی فزونی می‌گیرد و جدایی جامعه از دولت - ملت بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر، فضایی بسیار فراخ در برابر امر اجتماعی گشوده می‌شود که ویژگی آن جریان، ریزش و سیالی است و هیچ محدودیتی را بر نمی‌تابد. (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۸۸)

همچنین توزیع قدرت و نقش نظارتی شهروندان در فضای مجازی از دیگر دستاوردهای جهانی شدن و جامعه شبکه‌ای است. «در دنیای امروز تقریباً نمی‌توان مردم را ناآگاه نگه داشت. در حال حاضر قدرت به سوی مذاکره پیش می‌رود و این مذاکره به این صورت است که ما باید اطلاعات داشته باشیم ... به وجود آمدن شرکت‌های چندملیتی رسانه‌ای و غول‌های اطلاعاتی یکی از دلایل جهانی شدن رسانه‌هاست ... جهانی شدن این فرصت را به ما می‌دهد که یک کشور تولیدکننده باشیم و بتوانیم کالاهای خود را به سراسر جهان توزیع کنیم.»^{۳۰}

کنترل ارتباطات توسط دولت این مسئله را مطرح می‌سازد که ارتباطات یک‌جانبه منافع یک‌جانبه‌ای را تأمین می‌کند. بنابراین در عصر انقلاب و انفجار اطلاعات و ارتباطات، خواه‌ناخواه تسلط و حاکمیت دولتی کاهش می‌یابد. اما از آنجا که جوامع را نمی‌توان ناآگاه نگه داشت، و امروزه که فناوری‌های نوین رسانه‌های مرزهای سنتی را درنوردیده‌اند، بندوبست‌های سنتی در مسیر گردش آزاد اطلاعات و ارتباطات نیز نمی‌تواند به سلطه سنتی حاکمیت بینجامد. افزون بر این، همین روش سنتی در اعمال محدودیت‌های اطلاعاتی و ارتباطی، خود به تضعیف موقعیت جامعه در فرایند جهانی شدن می‌انجامد.^{۳۱}

لذا لازم است به جای محدودیت و برخورد سلبی با این فناوری‌های ارتباطی، از آن‌ها به‌عنوان ابزاری جهت ظهور و حضور بهتر در جامعه جهانی بهره گرفت.

نتیجه‌گیری

پیش از هر چیز باید یادآور شد که فرایند جهانی شدن، پدیده‌ای در حال وقوع است، و مهم‌تر اینکه موافقان و مخالفان آن را، هم در جوامع توسعه‌یافته و هم در دیگر کشورها می‌توان یافت. برای مثال می‌توان به جنبش‌های اعتراضی در اروپا و آمریکا اشاره کرد، که جملگی بر محور اعتراض علیه جهان‌محوری اقتصاد و تا اندازه‌ای موضوعات فرهنگی انجام گرفته‌است.^{۳۲}

از دید شماری از آمریکایی‌ها، جهانی شدن، تهدیدی برای آینده است که هنوز ایالات متحده با آن روبه‌رو نشده است. این ایده ناشی از این اندیشه است که شاید با جهانی شدن، خودمختاری آمریکا به پایان برسد و نیروی اقتصادی و سیاسی به حکومت جهانی منتقل خواهد شد. بر اساس آماري که واشینگتن‌پست در سال ۲۰۱۱ ارائه داده، فقط ۳۶ درصد از آمریکایی‌ها افزایش برقراری ارتباط اقتصاد جهانی را مثبت می‌دانند، در حالی که در سال ۲۰۰۱، ۶۰ درصد آن‌ها جهانی شدن را مثبت می‌دانستند.^{۳۳}

یک نظرسنجی که توسط ای‌بی‌سی نیوز و واشینگتن پست انجام شد، نشان داد که ۶۱ درصد آمریکایی‌ها، چین را تهدیدی برای امنیت شغلی و اقتصادی خود می‌دانند. اما با این حال باراک اوباما و سیاست‌مداران بزرگ این کشور بر ادامه چنین وضعیتی پافشاری می‌کنند.^{۳۴}

از پیامدهای جهانی شدن در جوامع توسعه‌یافته صنعتی شمال، دگرگونی در نقش و عملکرد نهادهای واسطه تشکیل‌دهنده جامعه مدنی نظیر اتحادیه‌های صنفی، سندیکاها و احزاب سیاسی است. در بسیاری از این گونه جوامع مردم به این نتیجه رسیده‌اند که نهادهای سنتی مزبور نمی‌توانند مانند گذشته در تبیین خواسته‌ها و تبدیل آن‌ها به سیاست نقش مؤثری داشته باشند. بنابراین در کنار تجزیه عناصر شهروندی، باعث کاهش روزافزون تمایل مردم به مشارکت سیاسی شده است. (قوام، ۱۳۹۰: ۱۸)

این‌ها نمونه‌هایی است از اینکه فرایند جهانی شدن، لزوماً برنامه‌ای از پیش تعیین شده برای سلطه غرب بر دیگر کشورها نیست، بلکه خود آنان نیز ممکن است قربانی این فرایند شوند. هانتینگتون، نظریه پرداز دیگر، در این زمینه می‌گوید که جهانی شدن هرگز به معنای کواکولایی شدن فرهنگ کشورها نخواهد بود. «در شرایط جهانی شدن استراتژی‌های کلان اقتصادی جنوب و شمال تا اندازه‌ای به صورت یکسان تهدید می‌شود و لذا گریزی از افزایش همکاری در سطح منطقه و نیز در سطح جهان نیست» (همان: ۸۱). «گرچه کشورهای شمال به واسطه داشتن سهم زیاد در تمدن جدید راحت تر می‌توانند خود را با تحولات جهانی شدن تطبیق دهند، اما کشورهای جنوب هم در صورت اصلاح ساختارهای داخلی و تقویت خودآگاهی و اعتماد به نفس می‌توانند از آن در حد بالایی بهره‌مند شوند.» (همان: ۹۴)

روند جهانی شدن با رشد سیاست آزادسازی اقتصاد، کاهش نظارت دولت و رفع موانع حقوقی و سیاسی حرکت آزاد کالا و عوامل تولید همراه بوده است که با فروپاشی بلوک شرق شدتی بی سابقه یافته است. این امر موجب تشابه بیشتر ساختار حقوقی و سیاسی اقتصادهای ملی شده که فرایند ادغام و جهانی شدن اقتصاد را تسهیل و ترغیب می‌کند.^{۳۵} ائتلاف شرکت‌های چندملیتی و فعالیت در فضای بدون مرز مجازی، از جمله مصادیق آن است. بنابراین، نتیجه این امر، بستگی بسیار به دولت و سازوکارهای آن، و نیز چندوچون نهادهای غیردولتی و عملکرد آن‌ها در یک کشور دارد تا از این فرصت بهره‌برداری مناسب داشته باشند.

در مورد نقش دولت باید اذعان کرد که برخلاف تصور رایج توسعه اقتصادی کشورهای آسیای شرقی و ادغام آن‌ها در بازار جهانی تقریباً بدون استثنا بر پایه مشارکت فعال دولت‌های آن‌ها در برنامه‌های اقتصادی استوار بوده است. این کشورها مسیرهای متفاوتی را پیموده‌اند. مثلاً در تایوان محور عمده برنامه توسعه اقتصادی عبارت بوده است از پیشبرد هم‌زمان سیاست جان‌شین‌سازی واردات و ارتقای صادرات بر مبنای مشارکت فعال دولت در سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و جلب سرمایه‌گذاری خارجی. در کشورهای رو به رشد، دولت‌ها برای پیشبرد برنامه‌های مشترک و تقسیم بازار جهانی اقدام به تشکیل پیمان‌ها، اتحادیه‌ها و مناطق

اقتصادی می‌کنند که غالباً مکانیزم بسط روند جهانی شدن است و بی‌واسطه بر سیر تکاملی و سرنوشت نهایی آن تأثیر می‌گذارد.^{۳۶}

بازیکنان دیگر جهانی شدن عبارت‌اند از نهادها و مؤسسات بین‌المللی نظیر سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول (IMF) سازمان تجارت جهانی (WTO) و مؤسسات غیرانتفاعی غیردولتی که عملکرد آن‌ها به نوبه خود متأثر از عملکرد و توازن قدرت سیاسی و اقتصادی دولت‌های ملی است. فرایند جهانی شدن، سیر تکاملی و سرنوشت نهایی آن نتیجه کُنش و واکنش متقابل مجموعه همه این نیروهاست، به‌ویژه سیر تحولات تکنولوژی، نیروهای گلوبال (مانند شرکت‌های فرامرزی و سرمایه) و دولت‌های ملی.^{۳۷}

بنابراین آنچه در فرایند جهانی شدن فرصت ایجاد خواهد کرد، نگاهی واقع‌بینانه و پویا نسبت به همه ابعاد جهانی شدن است. این توجه به‌ویژه در حوزه اقتصاد، شاید مهم‌ترین عامل در

بهره‌برداری مناسب از فرصت‌ها باشد. لذا موفقیت در این فرایند پیش از هر چیز در گرو داشتن اقتصادی سالم و پویاست. رشد و تقویت تعاملات اقتصادی در سطح منطقه و جهان، ورود به اتحادیه‌های مالی و اقتصادی، داشتن برنامه‌های مناسب و زیربنایی در رابطه با سرمایه‌گذاری‌های خارجی و مهم‌تر از آن ایجاد بستری مناسب برای جذب سرمایه‌های خارجی، می‌تواند عاملی بنیادین برای برقراری روابط بین‌المللی و بهره‌مندی از فرصت‌ها باشد. امروزه صنعت گردشگری در بسیاری از کشورها بیشترین سهم را دارد. این صنعت در کشور ما نیز از ظرفیت بالایی برخوردار است.

در مورد کشورمان ایران آنچه اکنون اهمیت دارد، حرکت

جدی به سوی خصوصی‌سازی، و هم‌زمان اصلاح برنامه‌های اقتصادی، از جمله نظام بانکی است. اما برای رسیدن به یک وضعیت رو به بهبود لازم است به فساد اداری و اقتصادی توجه شود، که متأسفانه در این زمینه همواره حرکتی به عقب داشته‌ایم. براساس گزارش سالانه سازمان شفافیت بین‌الملل در مورد فساد اداری و اقتصادی در سال ۱۳۹۱ ایران در رده ۱۳۳ قرار داشت، که نسبت به سال گذشته بیشتر شده است.^{۳۸}

با توجه به شرایط موجود و تحولات پیش رو می‌توان راهکارهایی در نظر گرفت که دست‌کم از تهدیدهای بالقوه در مسیر جهانی شدن کناره‌گرفت:

۱. اتخاذ نگرشی واقع‌بینانه نسبت به پدیده جهانی شدن. بررسی واقع‌بینانه تحولات می‌تواند تصویری درست از فرصت‌ها و تهدیدها ارائه دهد؛
۲. بازتعریف مفاهیمی چون منافع، امنیت ملی، توسعه، مشارکت و وابستگی برای تصمیم‌گیری درست در این راه؛



۳. سرمایه‌گذاری بجا و مناسب در فضای مجازی و بهره‌برداری از این فضا برای پل زدن بین سنت و مدرنیته؛
 ۴. ایدئولوژی‌زدایی از اقتصاد. ارزیابی موقعیت‌ها بر اساس داده‌های علمی و واقعی؛
 ۵. کوچک کردن دولت و تقویت نهادهای مردمی. (همان: ۳۷۶)
- همچنین:
۶. تفویض برخی اختیارات و فاصله گرفتن از تمرکزگرایی؛
 ۷. استقلال رأی و عمل در هر یک از قوا؛
 ۸. شفافیت در اجرا و اطلاع‌رسانی در همه دستگاه‌ها به‌عنوان نتیجه‌ای از بهره‌برداری از رسانه‌های نوین، به‌جای مقابله با آن‌ها؛
 ۹. پذیرش معاهدات بین‌المللی و سازگاری بیشتر با چارچوب‌های پذیرفته‌شده از سوی جامعه جهانی؛
 ۱۰. ایدئولوژی‌زدایی از سیاست‌های اقتصادی؛
 ۱۱. توجه به نیازها و خواسته‌های اقلیت‌های قومی و نژادی و نزدیک کردن فرهنگ رسمی و مؤلفه‌های فرهنگی خرده‌فرهنگ‌ها؛
 ۱۲. آزادی‌های اقتصادی، به‌ویژه فضای ارتباطی؛
 ۱۳. آزادی‌های مدنی و سیاسی شهروندان در راستای رسیدن به شهروند جهان‌وطنی؛
 ۱۴. ثبات سیاسی و ثبات در سیاست‌های اقتصادی؛
 ۱۵. پیشگیری از فساد اقتصادی، به‌ویژه در دستگاه اداری و اجرایی دولت؛
 ۱۶. تلاش در جذب سرمایه‌های خارجی و مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های خارجی؛
 ۱۷. فراهم کردن بستری مناسب برای جذب گردشگران خارجی؛
 ۱۸. تقویت و حمایت از تساهل دینی و قومی.

در نهایت برای رسیدن به وضعیتی نسبتاً مطلوب، بایستی از موضع انفعالی و خودباخته در برابر پدیده جهانی شدن بیرون آمده و با بررسی راه‌ها و روش‌های حضور و مشارکت بیشتر در جامعه جهانی، آن را به فضایی برای گنش بیشتر در همه ابعاد تبدیل کرد. امروزه جهانی‌شدن اصطلاحی است که از لوازم فراتجدد یا پست‌مدرنیسم به حساب می‌آید که از دهه نود در محافل علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رواج پیدا کرده است. چون امروزه ابزارهای قدرت و تبلیغات در دست نظام سرمایه‌داری است، جهانی‌شدن، در واقع پیروزی نظام سرمایه‌داری در جهان است.^{۳۹}

بنابراین باید با نگاهی واقع‌بینانه ابتدا تضاد و تناقض بین آموزه‌های سنتی و ایدئولوژیک در خصوص ستیز و مخاصمه با نظام سرمایه‌داری را آسیب‌شناسی کرده، آن‌گاه راهی مناسب و به‌روز تدبیر کرد. اگر نگرش حاکمیت به فرهنگ، سیاست، اقتصاد و ... سنتی و جزمی باشد، به احتمال قوی نه‌تنها در فرایند جهانی‌شدن همراه نخواهد بود، بلکه فقط تهدیدهای پیش رو را تجربه خواهد کرد. اما اگر با نگاهی واقع‌بینانه به این پدیده بنگریم، بسیار بهتر و بیشتر می‌توان از این فرصت، بهره‌مند شد.

پی‌نوشت‌ها

1. <http://vista.ir/article/322878>
2. http://pub.isu.ac.ir/Andesh-ye-Sadiq/Andesh-ye-Sadiq_16/Andesh-ye-Sadiq_1612.htm
۳. روزنامه‌ی ایران شماره ۱۸۹۷، سال هفتم، سه شنبه ۱۳ شهریور، ۱۳۸۰.
4. <http://khabaronline.ir/detail/189348/society/urban-1390/9/24>
5. http://www.yaranesabz.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=50&Itemid=10
(آثار مثبت و منفی جهانی شدن)
۶. نشریه‌ی سیاحت غرب، جهانی شدن چیست؟، برگردان بشری عسکری، سال هشتم، شماره ۱۰۱، ۱۹ دی، ۱۳۹۰.
7. [http://epp.eurostat.ec.europa.eu/statistics_explained/index.php/File:Embodied_employment_in_exports_by_products_\(thousands_of_persons\)_2000-2007.png](http://epp.eurostat.ec.europa.eu/statistics_explained/index.php/File:Embodied_employment_in_exports_by_products_(thousands_of_persons)_2000-2007.png)
8. http://epp.eurostat.ec.europa.eu/statistics_explained/index.php/Internet_use_statistics_-_individuals
9. [http://www.parsigold.com/be01%20\(11\).htm](http://www.parsigold.com/be01%20(11).htm)
۱۰. گزارش سال ۲۰۱۳ از سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۱۲ (UNCTAD)
۱۱. خبرگزاری فارس، چهارشنبه ۲ بهمن ۱۳۹۲
۱۲. خبرگزاری میراث فرهنگی، ۱۳/۶/۱۳۹۲
13. http://epp.eurostat.ec.europa.eu/statistics_explained/index.php/Tourism_industries_-_economic_analysis
14. <http://www.mehrnews.com/detail/News/2221072>
15. - <http://www.dolat.ir/NSite/FullStory/News/?Serv=0&Id=2342831392/11/3>
16. UNWTO
17. <http://www.khabaronline.ir/detail/327491/Economy/macroeconomics>
۱۸. ویکی‌پدیا (گردشگری در ایران، ۱۹ فروردین ۱۳۹۳)
19. <http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=07&depid=44&semid=838>
20. <http://www.inn.ir/NSite/FullStory/News/?Serv=0&Id=155666&Rate=0>
21. <http://modiriyatfarhangi.blogfa.com/post/52>
22. <http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=07&depid=44&semid=838>
23. http://geraldlewis.com/publications/Role_of_Social_Media_in_Crisis_Communication_Jan_2012_Gitanjali_Laad.pdf
24. <http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=07&depid=44&semid=838>
25. <http://anthropology.ir/node/1319> شنبه، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۷
26. http://epp.eurostat.ec.europa.eu/statistics_explained/index.php/Internet_use_statistics_-_individuals#E-shopping_trends
27. <http://www.pewinternet.org/fact-sheets/social-networking-fact-sheet/>
28. <http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=07&depid=44&semid=838>
29. *Ibid.*
30. <http://www.kamalipour.ir/>
31. <http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=07&depid=44&semid=838>
32. <http://fa.wikipedia.org/wiki/>
۳۳. نشریه‌ی سیاحت غرب، جهانی شدن چیست؟، برگردان: بشری عسکری، سال هشتم / شماره ۱۰۱ / ۱۹ دی ماه، ۱۳۹۰.
۳۴. همان
35. http://www.hadizamani.com/Maghalat/B4_14.htm
36. http://www.hadizamani.com/Maghalat/B4_14.htm
37. [http://www.parsigold.com/be01%20\(11\).htm](http://www.parsigold.com/be01%20(11).htm)
۳۸. فرارو، ۲۲ آذر ۱۳۹۲
39. <http://www.pasokhgoo.ir/node/1560>

منابع

- ابورایی، ابراهیم (۱۳۹۲)، "جهانی شدن" و استقلال فرهنگی، خبرنامه‌ی دین‌پروهان، شماره ۱۲.
- اخوان‌زنجانی، داریوش (۱۳۸۱)، جهانی شدن و سیاست خارجی، تهران، جلد اول، انتشارات وزارت امور خارجه.
- جهانی شدن در بستر ارتباطات (۱۳۸۰)، گفت‌وگو با پروفسور یحیی کمالی‌پور استاد علوم ارتباطات، روزنامه‌ی ایران شماره ۱۸۹۷، سال هفتم، سه شنبه ۱۳ شهریور.
- خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۱۱/۲.
- خبرگزاری مهر.
- خبرگزاری میراث فرهنگی، ۱۳۹۲/۶/۱۳.

دهقانی محمود، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی / گروه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، اقتصاد سیاسی بین‌المللی در عصر "جهانی‌شدن"، شماره ۷.

رنجکش، جواد (۱۳۸۹)، جهانی‌شدن، مجموعه مقالات دومین همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد.

قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰)، جهانی‌شدن و جهان سوم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

کاظمی، علی اصغر (۱۳۸۰)، جهانی‌شدن فرهنگ و سیاست، تهران، نشر قومس.

کیانی، داود، "مقاله مقدمه‌ای بر جهانی‌شدن"، مجله اندیشه صادق، شماره ۵.

کیت نش (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی معاصر، جهانی‌شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، ج اول، انتشارات کویر.

گزارش سال ۲۰۱۳ از سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۱۲ (UNCTAD)

گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، تهران، ج اول، نشرنی.

نشریه سیاحت غرب، جهانی‌شدن چیست؟، برگردان، بشری عسکری، سال هشتم / شماره ۱۰۱.

ویکی‌پدیا

<http://khabaronline.ir/detail/189348/society/urban>

http://www.yaranesabz.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=50&Itemid=10

[http://www.parsigold.com/be20%01\(11\).htm](http://www.parsigold.com/be20%01(11).htm)

<http://www.mehrnews.com/detail/News/2221072-1392/11/5>

<http://www.dolat.ir/NSite/FullStory/News/?Serv=0&Id=234283-1392/11/3>

<http://www.inn.ir/NSite/FullStory/News/?Serv=0&Id=155666&Rate=0>

<http://modiriyatfarhangi.blogfa.com/post/52>

<http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=07 & depid = 44 & semid = 838>

<http://fa.wikipedia.org/wiki/>

http://www.hadizamani.com/Maghalat/B4_14.htm

<http://www.pasokhgoo.ir/node/1560>

<http://vista.ir/article/322878>

<http://anthropology.ir/node/1319>

http://pub.isu.ac.ir/Andesh-ye-Sadiq/Andesh-ye-Sadiq_16/Andesh-ye-Sadiq_1612.htm

<http://epp.eurostat.ec.europa.eu>

<http://www.pewresearch.org/>

<http://geraldlewis.com/publications/>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی